

ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

تاریخ چاپ نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی در میان زنان و مردان متأهل شهر اصفهان بود تا ابزاری معتبر و پایا برای ارزیابی تمایلات خودشیفتگی در تعاملات زناشویی فراهم شود. این پژوهش از نوع ابزارسازی و زمینه‌یابی بود و جامعه آماری آن را کلیه زنان و مردان متأهل بالای ۲۵ سال شهر اصفهان تشکیل دادند. نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از زنان و مردان متأهل بود که به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی، خرده‌مقیاس خودشیفتگی میلون، پرسشنامه میل به خیانت و مقیاس روابط خانوادگی بود. پرسشنامه طراحی شده دارای ۲۲ گویه با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت بود. برای بررسی روایی از روایی صوری، محتوایی، همزمان، همگرا، واگرا و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد و پایایی ابزار نیز از طریق آلفای کرونباخ و بازآزمایی مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که پرسشنامه از همسانی درونی مطلوب برخوردار است و مقدار آلفای کرونباخ آن در سطح قابل قبول قرار داشت. تحلیل همبستگی نشان داد که نمرات پرسشنامه با خرده‌مقیاس خودشیفتگی میلون و میل به خیانت رابطه مثبت و معنادار و با روابط خانوادگی رابطه منفی و معنادار دارد که به ترتیب بیانگر روایی همزمان، همگرا و واگرا بود ($P < 0.05$). همچنین تحلیل عاملی اکتشافی وجود دو عامل اصلی شامل «کهنترینی همسر» و «خودبرتری نسبت به همسر» را تأیید کرد که مجموعاً بخش قابل توجهی از واریانس سازه را تبیین کردند. ضرایب همبستگی بین عوامل و نمره کل نیز معنادار بود و نتایج بازآزمایی بیانگر ثبات زمانی مناسب پرسشنامه بود. براساس یافته‌های پژوهش، پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب شامل روایی و پایایی مناسب برخوردار است و می‌تواند به عنوان ابزاری معتبر در حوزه‌های پژوهشی، مشاوره خانواده و مداخلات درمانی برای ارزیابی تمایلات خودشیفتگی در روابط زناشویی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: خودشیفتگی در روابط زوجی، ویژگی‌های روان‌سنجی، روایی، پایایی، روابط خانوادگی

HEALTH PSYCHOLOGY AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری



ریحانه ماهر^۱، زهرا یوسفی^{۲*}، محمدعلی داوری
دولت آبادی^۳

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. گروه روانشناسی بالینی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
۳. گروه روانشناسی بالینی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول:

Dr_yousefi@iau.ac.ir

شیوه استناددهی: ماهر، ریحانه، یوسفی، زهرا، و داوری دولت آبادی، محمدعلی. (۱۴۰۳). ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*, ۲(۱), ۱-۱۶.

Construction and Evaluation of the Psychometric Properties of the Narcissism Questionnaire in Couple Relationships

Submit Date: 2024-04-08

Revise Date: 2024-05-22

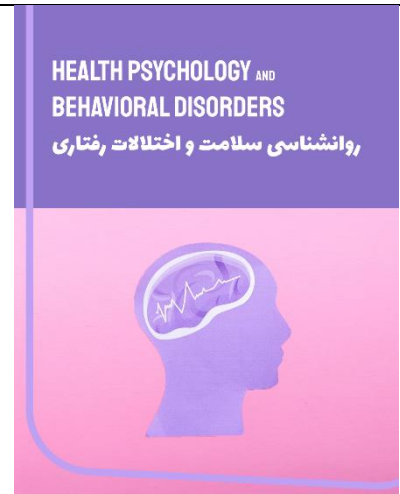
Accept Date: 2024-05-27

Final Publish Date: 2024-06-09

Abstract

The present study aimed to develop and evaluate the psychometric properties of a narcissism questionnaire in couple relationships among married adults in Isfahan in order to provide a valid and reliable instrument for assessing narcissistic tendencies in marital interactions. This study was a survey-based instrument development research. The statistical population included all married men and women over 25 years of age in Isfahan. The sample consisted of 200 married participants selected through convenience sampling. Research instruments included the Narcissism in Couple Relationships Questionnaire, Millon Narcissism Subscale, Betrayal Tendency Questionnaire, and Family Relationship Scale. The developed questionnaire contained 22 items rated on a five-point Likert scale. Face validity, content validity, concurrent validity, convergent validity, divergent validity, and exploratory factor analysis were used to assess validity, while Cronbach's alpha and test-retest methods were used to examine reliability. Data were analyzed using descriptive and inferential statistics. The findings demonstrated satisfactory internal consistency for the questionnaire, with an acceptable Cronbach's alpha coefficient. Correlation analyses indicated that the questionnaire scores had significant positive relationships with Millon narcissism scores and betrayal tendency, and a significant negative relationship with family relationships, supporting concurrent, convergent, and divergent validity ($P < 0.05$). Exploratory factor analysis confirmed a two-factor structure consisting of "Belittling the Spouse" and "Superiority over the Spouse," which explained a substantial proportion of the variance. Significant correlations between the factors and the total score further supported construct validity. Test-retest results also confirmed the temporal stability of the instrument. The findings indicate that the Narcissism in Couple Relationships Questionnaire possesses desirable psychometric properties, including adequate validity and reliability, and can be used as an effective instrument in research, family counseling, and therapeutic settings for assessing narcissistic tendencies in marital relationships.

Keywords: *Narcissism in couple relationships, psychometric properties, validity, reliability, family relationships*



Reyhane Maher¹, Zahra Yousefi^{2*},
Muhammadali Davari Dolatabadi³

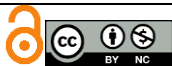
1. Department of Clinical Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Department of Clinical Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3. Department of Clinical Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

*Corresponding Author's Email:
Dr_yousefi@iaua.ac.ir

How to cite: Maher, R., Yousefi, Z., & Davari Dolatabadi, M. (2024). Construction and Evaluation of the Psychometric Properties of the Narcissism Questionnaire in Couple Relationships. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 2(1), 1-16.



مقدمه

مفهوم روابط زناشویی سالم همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه روان‌شناسان، مشاوران خانواده و پژوهشگران حوزه سلامت روان بوده است، زیرا کیفیت تعاملات زوجین نه تنها بر رضایت فردی و ثبات خانواده اثر می‌گذارد، بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای سلامت روان، سازگاری اجتماعی و عملکرد هیجانی افراد دارد. در سال‌های اخیر پژوهشگران تأکید کرده‌اند که پایداری یا ناپایداری روابط زناشویی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، شخصیتی، شناختی و بین‌فردی قرار دارد و ویژگی‌های شخصیتی زوجین از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت روابط محسوب می‌شوند (Moblian et al., 2021; Yu et al., 2020). مطالعات نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی ناسازگار می‌توانند موجب کاهش رضایت زناشویی، افزایش تعارضات میان‌فردی و تضعیف انسجام خانواده شوند (Ahmadimehr et al., 2020; Dehghani, 2019). در این میان، خودشیفتگی به عنوان یکی از ابعاد مهم شخصیت که با خودمحوری، احساس برتری و نیاز افراطی به تحسین همراه است، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است (Perego & Di Mattei, 2020; Ronningstam, 2020).

خودشیفتگی به‌طور کلی به الگوی نسبتاً پایدار از احساس بزرگ‌منشی، نیاز شدید به تأیید دیگران، فقدان همدلی و اشتغال ذهنی با موفقیت و قدرت اشاره دارد (Dimaggio, 2021). این ویژگی شخصیتی می‌تواند در دو سطح سالم و مرضی ظاهر شود. در شکل سالم، خودشیفتگی ممکن است با اعتمادبه‌نفس، احساس کفایت و عزت‌نفس همراه باشد، اما در شکل مرضی با بهره‌کشی بین‌فردی، خودبرتربینی و ناتوانی در درک نیازهای دیگران ارتباط پیدا می‌کند (Perego & Di Mattei, 2020; Ronningstam, 2020). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد دارای ویژگی‌های خودشیفته معمولاً در روابط عاطفی و زناشویی با مشکلات متعددی مواجه هستند، زیرا گرایش به کنترل‌گری، نیاز مداوم به تحسین و فقدان همدلی می‌تواند تعادل رابطه را برهم بزند (Zeigler-Hill et al., 2020). از سوی دیگر، افراد خودشیفته اغلب حساسیت بالایی نسبت به انتقاد دارند و در مواجهه با ناکامی‌های بین‌فردی واکنش‌های هیجانی شدید یا پرخاشگرانه نشان می‌دهند (Dimaggio, 2021).

مطالعات اخیر نشان داده‌اند که خودشیفتگی نه تنها بر ادراک فرد از خود، بلکه بر کیفیت روابط بین‌فردی نیز تأثیر عمیق دارد. در روابط زناشویی، این ویژگی می‌تواند موجب شکل‌گیری الگوهای تعاملی ناسالم شود؛ به‌گونه‌ای که فرد خودشیفته نیازها و خواسته‌های خود را برتر از همسر تلقی کرده و نسبت به دیدگاه‌ها و احساسات شریک زندگی بی‌توجه باشد (Yu et al., 2020). در چنین شرایطی، تعارضات زناشویی افزایش می‌یابد و احساس صمیمیت و حمایت متقابل کاهش پیدا می‌کند (Mohammad Sharoni et al., 2019). افزون بر این، پژوهش‌ها حاکی از آن است که خودشیفتگی با نارضایتی زناشویی، بی‌ثباتی روابط و افزایش احتمال خیانت زناشویی ارتباط دارد (Gewirtz-Meydan et al., 2023; Ogwuche et al., 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهد که خودشیفتگی می‌تواند به‌عنوان یک عامل خطر مهم در روابط زوجی تلقی شود.

در سال‌های اخیر، پژوهشگران به بررسی ارتباط خودشیفتگی با سازگاری و رضایت زناشویی پرداخته‌اند. برای مثال، علیزاده و عزامی نشان دادند که خودشیفتگی یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های منفی رضایت زناشویی است و افرادی که سطوح بالاتری از خودشیفتگی را تجربه می‌کنند، در روابط خود با مشکلات بیشتری مواجه هستند (Alizadeh & Azami, 2022). همچنین، مهدویان و شاهین‌ورنصفهانی گزارش کردند که مؤلفه‌های خودشیفتگی می‌توانند سازگاری زناشویی زوجین را تضعیف کنند و زمینه‌ساز تعارضات مکرر شوند (Mahdavian & Shahinvarnosfaderani, 2023). یافته‌های پژوهش‌های داخلی نیز حاکی از آن است که خودشیفتگی با تعارضات زناشویی، احساس دلزدگی و کاهش کیفیت تعاملات خانوادگی رابطه معنادار دارد (Rezapour et al., 2018; Zakeri et al., 2019). به‌علاوه، پژوهش محمدشارونی و همکاران نشان داد که سبک‌های خودشیفتگی می‌توانند الگوهای تعارض زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند و در شکل‌گیری روابط ناسالم نقش داشته باشند (Mohammad Sharoni et al., 2019).

خودشیفتگی همچنین با نگرش افراد نسبت به خیانت زناشویی مرتبط است. پژوهش گویریتز-میدان و همکاران نشان داد که افراد دارای صفات خودشیفته نگرش مثبت تری نسبت به خیانت دارند و احتمال بیشتری برای درگیر شدن در روابط خارج از ازدواج نشان می دهند (Gewirtz- Meydan et al., 2023). اوگوچه و همکاران نیز گزارش کردند که ویژگی های خودشیفتگی می توانند پیش بینی کننده خیانت زناشویی باشند، زیرا این افراد اغلب در جستجوی تأیید بیرونی و ارضای نیازهای خود هستند (Ogwuche et al., 2024). از سوی دیگر، پژوهش غفرالهی و همکاران نشان داد که خیانت زناشویی با فرسودگی زناشویی و کاهش بخشش در روابط همراه است (Ghafarolahi et al., 2020). بنابراین، بررسی خودشیفتگی در روابط زوجی نه تنها برای شناخت سازوکارهای تعارض زناشویی، بلکه برای پیشگیری از فروپاشی خانواده اهمیت اساسی دارد.

یکی از موضوعات مهم در مطالعه خودشیفتگی، تمایز میان خودشیفتگی سالم و مرضی است. رونینگستام بیان می کند که خودشیفتگی سالم می تواند به افزایش عزت نفس و احساس کفایت منجر شود، اما در صورت شدت یافتن، به شکل آسیب شناختی درآمده و عملکرد فرد را مختل می کند (Ronningstam, 2020). دیمجیو نیز تأکید می کند که خودشیفتگی مرضی معمولاً با تحریف شناختی، حساسیت افراطی به ارزیابی دیگران و فقدان همدلی همراه است (Dimaggio, 2021). این ویژگی ها در روابط زناشویی می توانند موجب احساس طرد، نادیده گرفته شدن و کاهش امنیت هیجانی در همسر شوند. افزون بر این، افراد خودشیفته اغلب به دلیل احساس برتری، تمایل دارند تصمیمات خانوادگی را به صورت یک جانبه اتخاذ کنند و نقش همسر را کم اهمیت جلوه دهند (Perego & Di Mattei, 2020).

با وجود اهمیت بالای خودشیفتگی در روابط زناشویی، یکی از چالش های مهم در این حوزه کمبود ابزارهای تخصصی برای سنجش خودشیفتگی در تعاملات زوجی است. بیشتر ابزارهای موجود، خودشیفتگی را به عنوان یک ویژگی کلی شخصیت ارزیابی می کنند و کمتر به نمودهای آن در روابط زناشویی می پردازند (Briganti & Linkowski, 2020). برای مثال، پرسشنامه چندمحوری میلون یکی از شناخته شده ترین ابزارهای سنجش اختلالات شخصیت است که خرده مقیاس خودشیفتگی را نیز در برمی گیرد (Millon et al., 2015). این ابزار در نسخه فارسی نیز دارای ویژگی های روان سنجی مطلوب گزارش شده است (Mohammadi et al., 2021). همچنین، مقیاس خودشیفتگی مرضی سلیمانی و همکاران نیز به عنوان یکی از ابزارهای معتبر در ایران معرفی شده است (Soleimani et al., 2016). با این حال، این ابزارها بیشتر بر ابعاد کلی شخصیت تمرکز دارند و برای ارزیابی رفتارها و نگرش های خودشیفته در روابط زوجی طراحی نشده اند.

پژوهشگران حوزه روان سنجی تأکید می کنند که طراحی ابزارهای تخصصی نیازمند طی کردن مراحل دقیق علمی از جمله بررسی روایی محتوا، روایی سازه، همسانی درونی و تحلیل عاملی است (Reynolds & Livingston, 2019). وجود ابزارهای معتبر و پایا امکان ارزیابی دقیق تر سازه های روان شناختی را فراهم می کند و به پژوهشگران و درمانگران اجازه می دهد تا بر اساس داده های معتبر تصمیم گیری کنند. در حوزه روابط زوجی نیز طراحی ابزارهایی که بتوانند نمودهای اختصاصی خودشیفتگی در تعاملات زناشویی را ارزیابی کنند، می تواند نقش مهمی در تشخیص زودهنگام مشکلات و برنامه ریزی مداخلات درمانی داشته باشد.

علاوه بر این، روابط خانوادگی و کیفیت تعاملات زوجین تحت تأثیر نگرش ها و سبک های ارتباطی قرار دارد. پژوهش دهقانی ششده و یوسفی نشان داد که متغیرهای روان شناختی و ارتباطی می توانند گرایش به طلاق را پیش بینی کنند (Dehghani Shashdehd & Yousefi, 2019). همچنین، احمدی مهر و همکاران گزارش کردند که بهبود روابط خانوادگی می تواند انسجام و کارکرد خانواده را ارتقا دهد (Ahmadimehr et al., 2020). از این رو، شناسایی ویژگی های مانده خودشیفتگی که می توانند روابط را تهدید کنند، اهمیت دوچندان می یابد. در واقع، زمانی که فرد خودشیفته همسر خود را کمتر از خود ارزشمند بداند یا نیازهای او را نادیده بگیرد، زمینه برای بروز تعارض، نارضایتی و حتی گسست عاطفی فراهم می شود (Rezapour et al., 2018; Yu et al., 2020).

از سوی دیگر، برخی پژوهش ها نشان داده اند که خودپذیری و تنظیم نیازهای روان شناختی می تواند رابطه معناداری با رضایت زناشویی داشته باشد (Moblian et al., 2021). این یافته ها نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی و نگرش افراد نسبت به خود و دیگران در کیفیت روابط

زناشویی نقش اساسی دارند. در این میان، خودشیفتگی به دلیل ماهیت خودمحورانه و نیاز شدید به تأیید بیرونی، می‌تواند مانع شکل‌گیری روابط سالم و متعادل شود. بنابراین، ارزیابی دقیق این ویژگی در بستر روابط زوجی از اهمیت نظری و کاربردی بالایی برخوردار است. با توجه به مطالب مطرح‌شده، اگرچه پژوهش‌های متعددی به بررسی خودشیفتگی و پیامدهای آن پرداخته‌اند، اما ابزار اختصاصی و بومی برای سنجش خودشیفتگی در روابط زوجی همچنان محدود است. فقدان چنین ابزاری می‌تواند ارزیابی دقیق این سازه را دشوار سازد و مداخلات درمانی را با چالش مواجه کند. بنابراین، طراحی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی می‌تواند گامی مؤثر در توسعه ابزارهای تخصصی حوزه خانواده و زوج‌درمانی باشد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی در میان زنان و مردان متأهل شهر اصفهان بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودشیفتگی در روابط زوجی در بین متأهلین شهر اصفهان انجام شد. بنابراین با توجه به اینکه این پژوهش از نوع ساخت و هنجاریابی پرسشنامه است، از جمله پژوهش‌های پیمایشی به حساب می‌آید و از سوی دیگر به جهت بررسی اعتبار و پایایی از نوع همبستگی به حساب می‌آید. در این پژوهش جامعه آماری عبارت بود از کلیه متأهلین در شهر اصفهان در سال ۱۴۰۰-۹۹. از آنجا که یکی از انواع روایی‌یابی‌ها، روایی‌یابی سازه بود که به شکل اکتشافی انجام می‌شد از اینرو براساس نظر نپ و ساویلوسکی^۱ (۲۰۰۴) برای این تحلیل ۱۵۰ نفر لازم است با این حال تعداد نمونه به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. با توجه به حجم بالای سؤالات و لزوم همکاری متأهلین، از روش در دسترس، از تمام مناطق هشت‌گانه شهر اصفهان، انتخاب شد. از این تعداد ۱۰۵ نفر بین ۲۴ تا ۴۰ سال سن داشتند، ۸۵ نفر بین ۴۰ تا ۶۰ سال، ۵ نفر بالای شصت سال و ۵ نفر هم‌سن‌شان غیر مشخص بود. ۱۱۷ نفر زن و ۸۳ نفر مرد بودند. ۹۱ نفر مدرک تحصیلی فوق دیپلم و بالاتر داشتند و ۱۰۹ نفر دیپلم داشتند. ملاک‌های ورود به این پژوهش عبارت بودند از: متأهل بودن، اصفهانی بودن، داشتن توانایی جسمانی و روانی برای شرکت در پژوهش، تمایل به پاسخگویی به سؤالات، داشتن حداقل سواد سیکل جهت پاسخگویی به پرسشنامه‌ها و ملاک‌های خروج عبارت بودند از: عدم پاسخگویی کامل به پرسشنامه‌ها، عدم تمایل به همکاری، متارکه از زندگی زناشویی، در مرحله طلاق بودن.

مقیاس تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی: این پرسشنامه اولین بار برای این پژوهش طراحی شد. این پرسشنامه ۲۲ گویه دارد که برای ارزیابی خودشیفتگی در روابط زوجی به کار می‌رود و به دنبال آن است که بدانند آیا یکی از زوجین که مورد ارزیابی است خودش را برتر از دیگری در تصمیمات زوجی می‌داند این ابزار بر اساس تجارب بالینی استاد راهنما تهیه شد. هر ماده روی مقیاس پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. (۱- کاملاً مخالفم تا ۵- کاملاً موافقم). بنابراین نمره‌های پرسشنامه با جمع نمرات به دست می‌آید. نمره بالاتر حاکی از میزان بالاتر خودشیفتگی در روابط زوجی است. در این پژوهش ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس بررسی شد.

پرسشنامه‌ی میل به خیانت: پرسشنامه‌ی میل به خیانت توسط یوسفی (۱۴۰۰) تهیه شده و توسط غفرالهی، اعتمادی، یوسفی، عابدی و ترکان (۱۴۰۰) طی پژوهشی استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال است که نمره‌گذاری آن به صورت طیف ۵ درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» می‌باشد. پرسشنامه‌ی میل به خیانت، میزان میل و یا ردکنندگی خیانت را از منظر افراد مختلف می‌سنجد. بالاترین امتیاز به معنی میل به خیانت و کمترین به معنی ردکننده‌ی خیانت است. روایی پرسشنامه به صورت بررسی محتوایی و صوری توسط پنج متخصص روان‌شناسی و مشاوره بررسی شد. وی همسانی درونی آن را ۰/۹۱ به کمک محاسبه آلفای کرونباخ گزارش کرد در پژوهش حاضر نیز همسانی درونی این آزمون به وسیله آلفای کرونباخ ۰/۹۴۱ به دست آمد. غفرالهی و همکاران (۱۴۰۰) همبستگی آن را با روابط خانوادگی و

۱. Knapp, & Sawilowsky

تجربه هیجانی مثبت نسبت به همسر منفی به دست آوردند که دال بر روایی واگرا و همبستگی آن با تجربه هیجانانگیز منفی نسبت به همسر مثبت و معنادار به دست آمد که دال بر روایی همگرایی آن است.

خرده مقیاس خودشیفتگی پرسشنامه چند محوری میلون: خرده مقیاس خودشیفتگی یکی از خرده مقیاس های پرسشنامه چند محوری میلون است (میلون، گراسمن و میلون، ۲۰۱۵). این پرسشنامه یک پرسشنامه خود سنجی استاندارد شده است که دامنه ی گسترده ای از اطلاعات مربوط به شخصیت، سازگاری هیجانی، و نگرش مراجعان به آزمون را می سنجد. این پرسشنامه برای بزرگسالان ۱۸ سال به بالا که دست کم توانایی خواندن آن ها تا سطح کلاس هشتم است طراحی شده است نسخه اصلی این آزمون در سال ۱۹۷۷ توسط تئودور میلون تدوین و ارائه شد و از آن زمان تا کنون ۲ بار تجدید نظر شده است. این آزمون مجدد در سال ۲۰۱۵ تجدید نظر شد. و ۱۹۵ گویه دارد که روی طیف دو درجه ای غلط و صحیح نمره گذاری می شود و مجدد ویژگی های روانسنجی آن مجدداً در ابعاد مختلف تایید شد. در این پرسشنامه یکی از انواع مقیاس های آسیب شناسی شخصیت خودشیفتگی است که دارای ۲۴ سوال است. در ایران محمدی و همکاران (۲۰۲۱) ویژگی های روانسنجی آن را در ایران بررسی کردند و ضریب روایی محتوا برای این خرده مقیاس را بر طبق راهنمای تشخیصی ویراست پنجم ۰/۷۱ و بر اساس نظریه میلون ۰/۹۹ گزارش کردند. همچنین روایی همزمان آن را با مقیاس علائم بالینی ۰/۳۵ و معنادار گزارش کردند. همسانی درونی آن را نیز از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۱ و پایایی بازآزمایی آن را ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز مجدداً همسانی درونی محاسبه و ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه سنجش روابط خانوادگی: مقیاس روابط خانوادگی بارنز و اولسون (۱۹۸۲): برای سنجش روابط خانوادگی از مقیاس روابط خانوادگی بارنز^۷ و اولسون (۱۹۸۲) استفاده شد، این مقیاس حاوی ۱۰ عبارت است و روی طیف لیکرت پنج درجه ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم نمره گذاری می شود. آنان با اجرای آن روی نمونه ۲۴۶۵ نفری ضریب همسانی درونی ($\alpha = 0.95$) و ضریب بازآزمایی ($r = 0.71$) و ($\alpha = 0.86$) محاسبه شد. در این پرسشنامه نمره ی کل مد نظر است. در ایران در دو پژوهش همسانی درونی آن به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۹ گزارش شد. در این پژوهش همسانی درونی این پرسشنامه مجدداً از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد ($\alpha = 0.924$). این مقیاس پیش از این در پژوهش دهقانی ششده و یوسفی (۱۳۹۸) برای سه بعد رابطه با خانواده خود، رابطه با خانواده همسر و رابطه با خانواده همسر منطبق شده بود و در این پژوهش نیز این سه بعد به شکل نمره کل مد نظر قرار گرفت. در این پژوهش مجدد همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد و برای کل خرده مقیاس ها بالای ۰/۹۰ به دست آمد. پس از انتخاب نمونه برای اجرا و تحلیل پرسشنامه ها به طور کلی مراحل زیر بر اساس نظر رینولدز و لوینگستون (۲۰۱۹) انجام شد:

۱- آماده سازی گویه های اولیه: با توجه به تجارب بالینی استاد راهنما و سایر خانواده درمانگران در محیط بومی شهر اصفهان گویه های هر مقیاس به تعداد زیاد آماده شد.

۲- بررسی اعتبار محتوا: برای مشخص کردن این که آیا محتوای پرسش نامه مناسب و مربوط به هدف تحقیق است یا خیر اعتبار محتوا بررسی شد. اعتبار محتوا نشان می دهد که محتوا منعکس کننده ی دامنه ی کاملی از ویژگی های تحت بررسی تحقیق است و معمولاً تعداد هفت کارشناس یا بیشتر این اعتبارسنجی را انجام می دهند. محققان برای برآورد اعتبار محتوا این پرسشنامه با بررسی دقیق تحقیقات پیشین و نظر خواهی از کارشناسان چهارچوب مفهومی روشنی را مشخص و آماده کردند. هنگامی که چهارچوب مفهومی تهیه شد، از سه کارشناس آگاه به موضوع خانواده خواسته شد برای حصول اطمینان از همخوان بودن سوالات مقیاس با چهارچوب مفهومی در پیش نویس مربوطه را بررسی کنند. هر ارزیابی با استفاده از مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» انجام شد و هر مشاور به طور مستقل میزان ارتباط هر سؤال پرسش نامه با چهارچوب مفهومی را درجه بندی کرد. در این مرحله تعدادی از سئوالات حذف شد.

۳- بررسی اعتبار صوری: اعتبار صوری نشان می دهد ظاهر پرسش نامه مناسب هدف تحقیق و محتوا است. اعتبار صوری راحت ترین فرایند اعتباریابی است، اما ضعیف ترین فرم اعتبار است. این اعتبار ظاهر پرسش نامه را از جهت عملی بودن، قابل خواندن بودن، هماهنگی سبک و

قالب و وضوح زبان کاربردی ارزیابی می‌کند. بنابراین، اعتبار صوری فرم قابلیت کاربرد است تا فرم پایایی. برای تعیین اعتبار صوری مقیاس خودشیفتگی در روابط زوجی فرم ارزیابی تهیه شد تا به پاسخ‌دهندگان در جهت سنجش هر سؤال از لحاظ ۱- وضوح و روشنی واژه‌پردازی، ۲- امکان پاسخگویی مخاطبان هدف به سؤالات و ۳- طرح اولیه و سبک کمک کند. تعداد بیست و پنج دانش آموز به صورت در دسترس از بین دانش آموزان انتخاب شدند و فرم اعتبار صوری با طیف لیکرت ۵ درجه‌ای، ۱= کاملاً مخالف، ۲= مخالف، ۳= نظری ندارم ۴= موافق و ۵= کاملاً موافق را کامل کردند.

۴- بررسی همسانی درونی: همسانی درونی همبستگی درونی سؤالات ابزار را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد تا چه میزان سؤالات از نظر مفهومی با هم تناسب دارند. به علاوه، نمره‌ی کل تمامی سؤالات برای برآورد همسانی کل پرسش‌نامه محاسبه می‌شود. همسانی درونی به دو روش محاسبه می‌شود: پایایی دو نیمه کردن و ضریب همبستگی آلفای کرونباخ. آلفای کرونباخ معادل میانگین تمامی برآوردهای احتمالی دو نیمه کردن است و اغلب برای تعیین پایایی با توجه به همسانی درونی از آن استفاده می‌شود. برای بررسی همسانی درونی مقیاس خودشیفتگی در روابط زوجی، آلفای کرونباخ محاسبه شد. همچنین آلفا برای خرده‌مقیاس‌ها نیز باید محاسبه شود. بنابراین برای هر خرده‌مقیاس آلفای کرونباخ محاسبه شد.

۵- اعتبار سازه: اعتبار سازه به میزان ارتباط سؤالات ابزار با سازه‌ی نظری مربوطه اشاره دارد. اعتبار سازه به جای اینکه تمایز کیفی بین «معتبر» و «نامعتبر» باشد، یک ارزش کمی است. این نوع اعتبار به میزان ارتباط متغیر مستقل در نظر گرفته شده (سازه) با متغیر مستقل نماینده (شاخص) اشاره دارد. برای دستیابی به این اعتبار از اعتبار همزمان، اعتبار واگرا، همبستگی هر سوال با نمره کل، تحلیل عامل اکتشافی، همبستگی هر خرده مقیاس با نمره کل استفاده شد.

۶- تحلیل عاملی اکتشافی: تحلیل عاملی یک روش آماری کاربردی در خلال تهیه‌ی ابزار جهت خوشه‌بندی سؤالات است که هر عامل را مطابق سؤالات برخوردار از بار عاملی بالا تفسیر می‌کند و سؤالات را محدود به تعداد کمی عامل و خلاصه می‌کند. بار (در تحلیل عاملی) به میزان ارتباط بین یک سؤال و عامل اشاره دارد. یک عامل فهرستی از سؤالات مربوط به هم است. سؤالات مرتبط مشخص‌کننده‌ی بخشی از سازه هستند که امکان یکپارچه کردن آن وجود دارد. سؤالات نامربوط که با هم ارتباط ندارند مشخص‌کننده‌ی سازه نیستند و بایستی حذف شوند و بیشترین میزان تغییر در نمرات را با کمترین تعداد عامل مربوط می‌سازد. برای تحلیل عاملی پایا وجود نمونه‌ی به حد کافی زیاد و گسترده ضروری و اساسی است، اگرچه تعداد شرکت‌کنندگان مورد نیاز انجام تحلیل عاملی مورد بحث است، تعداد حداقل پنج شرکت‌کننده برای هر متغیر معمولاً توصیه می‌شود. برای تعیین تعداد عواملی که باید حفظ شوند از طرح اسگری استفاده شد در این روش برای نشان دادن واریانس‌های نزولی که عوامل استخراجی در شکل نمودار را توجیه می‌کند استفاده شد به این ترتیب عواملی را که قبل از نقطه‌ی نزول مقادیر ویژه قرار دارند می‌توان حفظ کرد. همچنین از واریمکس، رایج‌ترین چرخش متعامد جهت چرخش عوامل استفاده شد تا بار روی هر متغیر به حداکثر میزان خود برسد و بار روی دیگر عوامل به حداقل برسد.

یافته‌ها

به منظور پاسخگویی به سوال پایایی و روایی پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی در بین متاهلین چگونه است؟ ابتدا همسانی درونی این مقیاس از طریق بررسی آلفای کرونباخ محاسبه شد ($\alpha = 0/78$).

به منظور بررسی هماهنگی سؤالات همبستگی کلیه سؤالات با نمره کل محاسبه شد و در این مرحله سه سوال حذف شد زیر همبستگی غیر معنادار با نمره کل داشتند. سایر سؤالات همبستگی بالای ۰/۳۰۰ با نمره کل داشتند که همگی معنادار بود ($P=0/01$). بررسی توزیع فراوانی و نمودار ستونی نمرات خام پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی در بین متاهلین نشان داد که توزیع نمرات به توزیع نرمال نزدیک است.

به منظور بررسی روایی همزمان از خرده مقیاس خودشیفتگی میلون استفاده شد و برای بررسی روایی همگرا از پرسشنامه میل به خیانت و به منظور بررسی روایی واگرا از مقیاس روابط خانوادگی استفاده شد. نتایج این بررسی در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین نمرات پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی با پرسشنامه خوشیفتگی، میل به خیانت و روابط خانوادگی

متغیر	تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی	معناداری
خودشیفتگی	۰/۳۶۵**	۰/۰۰۰
میل به خیانت	۰/۲۱۶**	۰/۰۰۷
روابط خانوادگی	-۰/۱۴۴*	۰/۰۴۳

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که خودشیفتگی، و میل به خیانت با تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی رابطه مثبت و معنادار دارد. که موید روایی همزمان است و رابطه مثبت و معنادار با میل به خیانت موید روایی همگرا است و با روابط خانوادگی روابط منفی و معنادار دارد که نشان از روایی واگرا دارد. در نهایت به منظور بررسی روایی سازه تحلیل عامل اکتشافی انجام شد که نتایج آن در جداول زیر آمده است. جدول (۲) نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی را نشان می‌دهد همگی این ضرایب مثبت و معنادارند.

جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی

عوامل	مجموع بارهای استخراج شده			مجموع بارهای در حالت چرخش یافته		
	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس
۱	۴/۸۹۸	۲۲/۲۶۴	۲۲/۲۶۴	۴/۲۸۰	۱۹/۴۵۶	۱۹/۴۵۶
۲	۳/۴۹۷	۱۵/۸۹۷	۳۸/۱۶۰	۴/۱۱۵	۱۸/۷۰۴	۱۳۸/۱۶۰

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود ۱۳۸/۱۶۰٪ از واریانس تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی توسط این دو عامل تعیین می‌شود. جدول (۳) عوامل استخراج شده، نام‌های آنان و هم‌چنین بار عاملی گویه‌ها هر عامل را نشان می‌دهد.

جدول ۳: عوامل و اجزاء تشکیل دهنده پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی

گویه	عامل
اغلب احساس می‌کنم درک و فهم همسر از من پایینتر است.	۱
همسر به اندازه من قدرت تحلیل مسائل زندگی را ندارد.	۱
فکر می‌کنم توانایی‌هایی دارم که برای لیاقت همسر است.	۱
دوست ندارم همسر در محافل اجتماعی صحبت کند.	۱
تعامل با همسر برایم سخت است زیرا فهم بالایی ندارد.	۱
من نیازی نمیدانم با همسر زیاد مشورت کنم چون خودم بدم چه باید بکنم.	۱
اکثر موضوعات خانوادگی تحت تصمیمات من انجام می‌شود چون بیشتر بدم.	۱
اعتقادی به مشورت با همسر ندارم.	۱
من در جمع و خانواده مجلس گرم کن هستم.	۱
همسر میدانم که نباید بدون من تصمیم گیری کند.	۱
در بعضی رفت و آمدهای خانوادگی شرکت نمی‌کنم چون سطح آن‌ها از من پایین تر است.	۱
چون فکر می‌کنم آدم بزرگ و مهمی هستم برایم مهم نیست که همسر در مورد من چه فکری می‌کنند.	۲
سعی می‌کنم غرورم را جلوی همسر و خانواده اش حفظ کنم.	۲
همسر نسبت به قدرت من حسادت می‌کنند.	۲
به خاطر توانمندی‌هایم مورد توجه خانواده همسر و همسر هستم.	۲
بدون توجه به اینکه انجام کاری چه اثری بر همسر دارد کارم را انجام می‌دهم.	۲

۰/۷۱۴	همسر زود به زود از من ناراحت می‌شود.
۰/۴۵۸	فکرهای مهمی در سر دارم که همسر من آن را نمی‌فهمد.
۰/۵۴۰	بعضی از اعضای خانواده‌ام می‌گویند که خود خواه هستم فقط به خودم فکر می‌کنم.
۰/۳۴۷	چون همسر من و خانواده‌اش از توانایی‌های فوق‌العاده من خبر دارند به من حسادت می‌کنند.
۰/۶۸۳	چون فکر می‌کنم آدم بزرگ و مهمی هستم برایم مهم نیست که همسر در مورد من چه فکری می‌کنند.
۰/۵۷۲	سعی میکنم غرورم را جلوی همسر من و خانواده اش حفظ کنم.

همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود عامل اول دارای ۱۱ گویه و با توجه به محتوای گویه‌ها نام آن «کهنترین همسر» انتخاب شد، عامل دوم دارای ۱۱ گویه و با توجه به محتوای گویه‌ها نام «خودبرتربینی نسبت به همسر» را به خود نسبت داد. جدول (۴) ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌ها و نمره کل مقیاس تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: ضرایب عوامل تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی با نمره کل تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی

عوامل تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی	نمره کل تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی
عامل اول	۰/۶۷۳**
عامل دوم	۰/۷۲۸**

جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی خرده پرسشنامه‌ها با نمره کل از لحاظ آماری معنادار است. این نتایج مؤید روایی سازه مقیاس پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی است. در نهایت به منظور بررسی پایایی بازآزمایی پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی در دو نوبت با فاصله‌ی دو هفته برای مقیاس تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی اجرا شد و همبستگی پیرسون محاسبه شد. نتایج در جدول (۴) آمده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین نمرات پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی

متغیر	ضریب همبستگی	معناداری
تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی	۰/۴۰۱*	۰/۰۳۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که پرسشنامه تمایلات خودشیفتگی در روابط زوجی از پایایی بازآزمایی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی در میان زنان و مردان متأهل شهر اصفهان انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که این ابزار از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی برخوردار است و شواهد کافی برای روایی و پایایی آن وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که پرسشنامه طراحی شده از همسانی درونی مطلوبی برخوردار است و ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده بیانگر هماهنگی مناسب گویه‌ها در سنجش سازه مورد نظر بود. این نتیجه با اصول مطرح شده در حوزه آزمون‌سازی و روان‌سنجی همخوانی دارد، زیرا یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت ابزارهای روان‌شناختی، انسجام درونی و همبستگی معنادار میان گویه‌هاست (Reynolds & Livingston, 2019). در واقع، هنگامی که گویه‌های یک مقیاس به صورت هماهنگ عمل می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که ابزار قادر است ابعاد مختلف یک سازه مشترک را به درستی ارزیابی کند. همچنین نتایج نشان داد که اکثر گویه‌ها همبستگی مثبت و معناداری با نمره کل دارند که این یافته مؤید آن است که سؤالات طراحی شده به خوبی مفهوم خودشیفتگی در روابط زوجی را بازتاب می‌دهند.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش حاضر، تأیید روایی همزمان پرسشنامه از طریق همبستگی مثبت و معنادار با خرده‌مقیاس خودشیفتگی میلون بود. این یافته نشان می‌دهد که ابزار حاضر در سنجش ویژگی‌های مرتبط با خودشیفتگی عملکرد مناسبی دارد و با ابزارهای استاندارد موجود

همخوانی قابل قبولی نشان می‌دهد. پرسشنامه چندمحوری میلون یکی از معتبرترین ابزارهای سنجش اختلالات شخصیت محسوب می‌شود و در پژوهش‌های متعدد روایی و پایایی آن تأیید شده است (Millon et al., 2015; Mohammadi et al., 2021). بنابراین، همبستگی مثبت پرسشنامه حاضر با خرده‌مقیاس خودشیفتگی میلون می‌تواند بیانگر آن باشد که خودشیفتگی در روابط زوجی بازتابی از ویژگی‌های گسترده‌تر شخصیت خودشیفته است. این نتیجه با دیدگاه دیمجیو همسو است که بیان می‌کند خودشیفتگی نه‌تنها در سطح شناخت فرد از خود، بلکه در تعاملات بین‌فردی و روابط عاطفی نیز نمود پیدا می‌کند (Dimaggio, 2021). افراد دارای صفات خودشیفته معمولاً احساس برتری، نیاز شدید به تحسین و حساسیت بالا نسبت به ارزیابی دیگران دارند و این ویژگی‌ها در روابط زوجی به شکل کنترل‌گری، نادیده گرفتن نیازهای همسر و تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه بروز می‌یابد.

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که میان خودشیفتگی در روابط زوجی و میل به خیانت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های پیشین همسو است که نشان داده‌اند افراد دارای ویژگی‌های خودشیفته نگرش مثبت‌تری نسبت به خیانت زناشویی دارند و احتمال بیشتری برای درگیر شدن در روابط خارج از ازدواج نشان می‌دهند (Gewirtz-Meydan et al., 2023; Ogwuche et al., 2024). در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد خودشیفته معمولاً نیاز شدیدی به تأیید و تحسین دارند و در صورتی که این نیازها در رابطه زناشویی به‌طور کامل ارضا نشود، ممکن است به دنبال منابع جایگزین برای دریافت توجه و ارزشمندی باشند. افزون بر این، احساس برتری و استحقاق در این افراد می‌تواند موجب شود که تعهدات زناشویی را کمتر جدی بگیرند و رفتارهای خودمحورانه بیشتری نشان دهند (Ronningstam, 2020). پژوهش غفرالهی و همکاران نیز نشان داد که خیانت زناشویی با فرسودگی زناشویی و کاهش بخشش در روابط همراه است (Ghafarollahi et al., 2020). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که خودشیفتگی در روابط زوجی زمینه‌ساز الگوهای ناسازگارانه‌ای می‌شود که احتمال بروز خیانت و کاهش ثبات رابطه را افزایش می‌دهد.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که خودشیفتگی در روابط زوجی با روابط خانوادگی رابطه منفی و معناداری دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که هرچه میزان خودشیفتگی فرد در تعاملات زناشویی بیشتر باشد، کیفیت روابط خانوادگی کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش احمدی‌مهر و همکاران همسو است که نشان دادند کیفیت تعاملات خانوادگی و حمایت متقابل میان اعضای خانواده نقش مهمی در سلامت روان و انسجام خانواده دارد (Ahmadimehr et al., 2020). افراد خودشیفته به دلیل خودمحوری، فقدان همدلی و تمایل به برتری‌جویی، معمولاً در ایجاد روابط گرم و صمیمی با همسر و اعضای خانواده با مشکل مواجه می‌شوند (Perego & Di Mattei, 2020). در چنین شرایطی، همسر ممکن است احساس کند که نیازها و احساساتش نادیده گرفته می‌شود و در نتیجه رضایت و صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد. پژوهش یو و همکاران نیز نشان داد که ویژگی‌های شخصیت تاریک از جمله خودشیفتگی می‌تواند کیفیت زناشویی را کاهش داده و بی‌ثباتی روابط را افزایش دهد (Yu et al., 2020).

تحلیل عاملی اکتشافی پژوهش حاضر نشان داد که پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی از دو عامل اصلی «کهن‌ترین همسر» و «خودبرتری نسبت به همسر» تشکیل شده است. عامل نخست بیشتر بر ادراک فرد از پایین‌تر بودن توانایی‌ها و درک همسر تأکید داشت و عامل دوم بر احساس برتری، بزرگ‌منشی و اهمیت افراطی خود در رابطه متمرکز بود. این یافته از نظر نظری با دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره ساختار خودشیفتگی همخوانی دارد. بریگانتی و لینکوسکی بیان می‌کنند که خودشیفتگی دارای ابعاد متعددی است که شامل بزرگ‌منشی، خودمحوری و نیاز به تحسین می‌شود (Briganti & Linkowski, 2020). همچنین رونینگستام تأکید می‌کند که افراد خودشیفته اغلب دیگران را پایین‌تر از خود ارزیابی می‌کنند و در روابط بین‌فردی به دنبال حفظ احساس برتری خویش هستند (Ronningstam, 2020). بنابراین، استخراج این دو عامل نشان می‌دهد که خودشیفتگی در روابط زوجی نه‌تنها شامل نگرش فرد نسبت به خود، بلکه شامل نوع نگاه او به همسر و کیفیت تعاملات قدرت در رابطه نیز می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که عوامل استخراج شده با نمره کل پرسشنامه همبستگی مثبت و معناداری دارند که این موضوع مؤید روایی سازه ابزار است. در واقع، همبستگی بالای عوامل با نمره کل نشان می‌دهد که هر دو عامل بخشی از یک سازه مشترک را بازنمایی می‌کنند و در مجموع مفهوم خودشیفتگی در روابط زوجی را می‌سنجند. این یافته با اصول روان‌سنجی مطرح شده توسط رینولدز و لیوینگستون مطابقت دارد که تأکید می‌کنند ساختار عاملی ابزار باید با مبانی نظری سازه مورد مطالعه همخوان باشد (Reynolds & Livingston, 2019). افزون بر این، نتایج بازآزمایی نشان داد که پرسشنامه از ثبات زمانی مناسبی برخوردار است و نمرات افراد در طول زمان از پایداری قابل قبولی برخوردار بوده است. این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان می‌دهد که ابزار حاضر می‌تواند در ارزیابی‌های پژوهشی و بالینی مورد استفاده قرار گیرد و نتایج آن تحت تأثیر نوسانات کوتاه‌مدت قرار نمی‌گیرد.

یافته‌های پژوهش حاضر از منظر بالینی نیز حائز اهمیت است. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که خودشیفتگی می‌تواند زمینه‌ساز تعارضات زناشویی، نارضایتی و دلزدگی در روابط شود (Mohammad Shari et al., 2019; Zakeri et al., 2019). افراد خودشیفته معمولاً در روابط زناشویی تمایل دارند کنترل بیشتری اعمال کنند و نیازهای همسر را کمتر در نظر بگیرند. این ویژگی‌ها به تدریج موجب کاهش صمیمیت، افزایش تعارض و تضعیف سازگاری زناشویی می‌شود. پژوهش مهدویان و شاهین‌ورنصفهانی نیز نشان داد که مؤلفه‌های خودشیفتگی می‌توانند سازگاری زناشویی زوجین را تضعیف کنند (Mahdavian & Shahinvarnosfaderani, 2023). همچنین علیزاده و عزامی گزارش کردند که خودشیفتگی با کاهش رضایت زناشویی همراه است (Alizadeh & Azami, 2022). بنابراین، در اختیار داشتن ابزاری که بتواند خودشیفتگی را در بستر روابط زوجی ارزیابی کند، می‌تواند به درمانگران خانواده و مشاوران کمک کند تا مشکلات پنهان در روابط را شناسایی کرده و مداخلات مؤثرتری طراحی کنند.

از منظر نظری نیز نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به غنای ادبیات مربوط به شخصیت و روابط زوجی کمک کند. تاکنون بیشتر پژوهش‌ها خودشیفتگی را به صورت یک ویژگی کلی شخصیت بررسی کرده‌اند، در حالی که نتایج این مطالعه نشان داد که خودشیفتگی در روابط زوجی ابعاد خاصی دارد که مستقیماً به تعاملات زناشویی مربوط می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که مطالعه خودشیفتگی در بستر رابطه می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری درباره سازوکارهای تعارض و نارضایتی زناشویی فراهم کند. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر با دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه شخصیت تاریک همخوانی دارد که بیان می‌کنند ویژگی‌هایی مانند خودشیفتگی، ماکیاولیسم و سایکوپاتی می‌توانند روابط عاطفی را تحت تأثیر قرار دهند (Zeigler-Hill et al., 2020).

به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که پرسشنامه خودشیفتگی در روابط زوجی از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب برخوردار است و می‌تواند به عنوان ابزاری معتبر و پایا برای سنجش خودشیفتگی در تعاملات زناشویی مورد استفاده قرار گیرد. این ابزار قادر است ابعاد مهمی از نگرش‌ها و رفتارهای خودشیفته در روابط زوجی را ارزیابی کند و در مطالعات پژوهشی و فرایندهای درمانی کاربرد داشته باشد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس اشاره کرد که ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را محدود کرده باشد. همچنین، نمونه پژوهش تنها شامل زنان و مردان متأهل شهر اصفهان بود و بنابراین نتایج ممکن است در سایر شهرها یا فرهنگ‌ها متفاوت باشد. از سوی دیگر، داده‌ها بر اساس ابزارهای خودگزارشی جمع‌آوری شد که احتمال سوگیری پاسخ‌دهی و تمایل به ارائه تصویر مطلوب از خود را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، در پژوهش حاضر روایی پیش‌بین و پایایی بین ارزیابان بررسی نشد که می‌تواند در مطالعات آینده مورد توجه قرار گیرد.

به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود که ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه را در گروه‌های جمعیتی متفاوت از جمله زوجین در آستانه طلاق، زوجین دارای تعارضات شدید و نیز فرهنگ‌های مختلف بررسی کنند. همچنین، انجام پژوهش‌های طولی برای بررسی نقش خودشیفتگی در پیش‌بینی پایداری یا فروپاشی روابط زناشویی می‌تواند به غنای ادبیات پژوهشی کمک کند. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده رابطه این سازه با متغیرهایی نظیر سبک‌های دلبستگی، تنظیم هیجان، صمیمیت زناشویی و سلامت روان نیز مورد بررسی قرار گیرد.

به مشاوران خانواده و درمانگران زوجی پیشنهاد می‌شود از این پرسشنامه به‌عنوان ابزاری کمکی برای شناسایی الگوهای ناسازگارانه خودشیفتگی در روابط زوجی استفاده کنند. همچنین، نتایج حاصل از این ابزار می‌تواند در طراحی مداخلات آموزشی و درمانی مبتنی بر افزایش همدلی، بهبود مهارت‌های ارتباطی و کاهش رفتارهای خودمحورانه مورد استفاده قرار گیرد. بهره‌گیری از این پرسشنامه در مراکز مشاوره خانواده و کلینیک‌های روان‌شناختی می‌تواند به تشخیص زودهنگام مشکلات زناشویی و ارتقای کیفیت روابط زوجین کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

چکیده گسترده

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Marital relationships are among the most influential interpersonal bonds in adult life and play a fundamental role in psychological well-being, emotional stability, and family functioning. The quality of marital interactions significantly affects individual mental health, relational satisfaction, and social adjustment. Researchers have increasingly emphasized that marital stability and satisfaction are shaped by a combination of psychological, interpersonal, and personality-related variables (Moblian et al., 2021; Yu et al., 2020). Among these variables, narcissism has gained considerable attention because of its profound influence on interpersonal dynamics and emotional intimacy. Narcissism is generally characterized by grandiosity, self-centeredness, excessive need for admiration, entitlement, and reduced empathy toward others (Perego & Di

Mattei, 2020; Ronningstam, 2020). Although some aspects of narcissism may appear adaptive in the form of self-confidence and assertiveness, pathological narcissism is associated with exploitative behaviors, interpersonal conflicts, emotional dysregulation, and relationship instability (Dimaggio, 2021).

Theoretical perspectives suggest that narcissistic individuals often prioritize their own needs and expectations over those of their partners, which disrupts emotional reciprocity and mutual understanding in intimate relationships (Perego & Di Mattei, 2020). In marital contexts, narcissistic tendencies may manifest through superiority, controlling behaviors, emotional insensitivity, and devaluation of the spouse. Such behaviors can gradually weaken emotional closeness and increase dissatisfaction and conflict within the relationship. Previous studies have demonstrated that narcissism is associated with marital instability, reduced marital quality, and increased interpersonal distress (Yu et al., 2020). Similarly, Mohammad Sharoni and colleagues found that narcissistic personality styles significantly contribute to marital conflict patterns among couples seeking counseling services (Mohammad Sharoni et al., 2019). Rezapour and colleagues also reported that narcissism predicts marital conflict and dysfunctional interpersonal perceptions (Rezapour et al., 2018).

Research has additionally shown that narcissistic personality traits are associated with infidelity tendencies and reduced commitment in romantic relationships. Gewirtz-Meydan and colleagues demonstrated that narcissistic traits are positively related to favorable attitudes toward infidelity (Gewirtz-Meydan et al., 2023). Likewise, Ogwuche and colleagues identified narcissistic personality traits as important predictors of marital infidelity among married couples (Ogwuche et al., 2024). Narcissistic individuals often seek external validation and admiration, which may increase their vulnerability to emotional or sexual infidelity when their psychological needs are not sufficiently fulfilled within the marital relationship. Furthermore, Ghafarolahi and colleagues emphasized that marital infidelity is associated with emotional exhaustion and reduced forgiveness between spouses (Ghafarolahi et al., 2020).

Another important consequence of narcissistic traits in marriage is the deterioration of family relationships and emotional cohesion. Research has shown that healthy family interactions are based on empathy, mutual support, emotional responsiveness, and collaborative decision-making (Ahmadimehr et al., 2020). Narcissistic individuals, however, often struggle with empathy and emotional attunement, which weakens family functioning and marital adjustment. Mahdavian and Shahinvarnosfaderani found that narcissistic components negatively predict marital adjustment among couples living in Tehran (Mahdavian & Shahinvarnosfaderani, 2023). Likewise, Alizadeh and Azami demonstrated that narcissism negatively predicts marital satisfaction among couples (Alizadeh & Azami, 2022). These findings highlight the necessity of assessing narcissistic tendencies specifically within marital relationships.

Despite the growing body of literature on narcissism, most available assessment instruments measure narcissism as a general personality construct rather than examining its manifestations in couple relationships. Standardized measures such as the Millon Clinical Multiaxial Inventory assess narcissistic personality traits broadly and have demonstrated satisfactory psychometric properties in different populations (Millon et al., 2015; Mohammadi et al., 2021). Similarly, Soleimani and colleagues validated the Pathological Narcissism Scale in Iranian samples (Soleimani et al., 2016). However, there remains a lack of specialized tools specifically designed to assess narcissistic tendencies in marital interactions. Given the importance of culturally appropriate and context-specific instruments, developing a psychometrically sound measure for narcissism in couple relationships appears essential. According to Reynolds and Livingston, the development of empirical psychological tests requires rigorous examination of reliability, validity, and factor structure to ensure the scientific adequacy of the instrument (Reynolds & Livingston, 2019). Therefore, the present study aimed to construct and evaluate the psychometric properties of the Narcissism in Couple Relationships Questionnaire among married adults in Isfahan.

Methods and Materials

The present study employed a survey-based psychometric design aimed at developing and validating a new psychological instrument. The statistical population consisted of all married men and women over the age of 25 living in Isfahan. A sample of 200 married individuals was selected using convenience sampling from different regions of the city. Inclusion criteria included being legally married, willingness to participate, sufficient literacy for completing questionnaires, and absence of severe psychological or physical limitations that could interfere with participation.

The primary instrument developed in this study was the Narcissism in Couple Relationships Questionnaire. Initial items were generated based on clinical experiences and theoretical literature related to narcissistic behaviors in marital contexts. The preliminary version of the questionnaire consisted of 22 items scored on a five-point Likert scale ranging from “strongly disagree” to “strongly agree.” Higher scores reflected higher levels of narcissistic tendencies within marital interactions.

Additional measures were used to evaluate convergent, divergent, and concurrent validity. These included the narcissism subscale of the Millon Clinical Multiaxial Inventory-IV, the Betrayal Tendency Questionnaire, and the Family Relationship Scale. Face validity and content validity were assessed through expert evaluations and participant feedback. Exploratory factor analysis was conducted to determine the underlying factor structure of the questionnaire. Internal consistency was evaluated using Cronbach’s alpha coefficients, while test–retest reliability was examined over a two-week interval. Data were analyzed using descriptive statistics, Pearson correlation coefficients, and exploratory factor analysis procedures.

Findings

The results demonstrated that the Narcissism in Couple Relationships Questionnaire possessed satisfactory psychometric properties. Internal consistency analysis showed that the overall Cronbach’s alpha coefficient was within an acceptable range, indicating strong coherence among questionnaire items. Item-total correlation analyses further demonstrated that the majority of items were significantly correlated with the total score, supporting the internal homogeneity of the scale. Three items with weak correlations were removed during the validation process.

The examination of concurrent validity revealed a significant positive correlation between the newly developed questionnaire and the narcissism subscale of the Millon Clinical Multiaxial Inventory. This finding indicated that higher levels of narcissistic tendencies in marital relationships were associated with broader narcissistic personality characteristics.

Convergent validity analyses also showed a significant positive relationship between narcissism in couple relationships and betrayal tendency. Participants with higher narcissism scores reported stronger tendencies toward infidelity-related attitudes and behaviors. Conversely, divergent validity analyses demonstrated a significant negative correlation between narcissism in marital relationships and family relationship quality. Individuals with higher narcissistic tendencies reported poorer family interactions and lower relational harmony.

Exploratory factor analysis identified a two-factor structure for the questionnaire. The first factor represented “Belittling the Spouse” and included items related to perceiving the spouse as less capable, less intelligent, or less competent. The second factor represented “Superiority over the Spouse” and included items related to grandiosity, self-importance, and dominance within marital interactions. Together, these two factors explained a substantial proportion of the total variance. Factor loadings for all retained items were acceptable and statistically meaningful.

Furthermore, significant correlations were observed between each extracted factor and the total questionnaire score, providing additional evidence for construct validity. Test–retest reliability analysis also demonstrated adequate temporal stability over a two-week period, indicating that the questionnaire produced relatively stable

scores across time. Overall, the findings supported the reliability, validity, and factorial integrity of the instrument.

Discussion and Conclusion

The present study aimed to construct and validate a specialized instrument for assessing narcissistic tendencies in marital relationships. The findings demonstrated that the Narcissism in Couple Relationships Questionnaire possesses acceptable psychometric characteristics and can serve as a reliable and valid measure in both research and clinical settings. The satisfactory internal consistency of the questionnaire indicated that the items consistently measured a common psychological construct related to narcissistic behaviors within couple interactions.

The positive relationship between the developed questionnaire and the Millon narcissism subscale confirmed that narcissistic tendencies in marital relationships are strongly connected to broader narcissistic personality traits. This finding suggests that individuals who display narcissistic characteristics at the personality level are likely to exhibit similar patterns within intimate relationships, including superiority, entitlement, and emotional insensitivity toward their spouses.

The significant association between narcissism in couple relationships and betrayal tendency further emphasized the dysfunctional interpersonal nature of narcissistic traits. Individuals with elevated narcissistic tendencies may prioritize personal gratification and external validation over emotional commitment and relational stability. Such tendencies can undermine trust and intimacy within marriage and increase the likelihood of relational dissatisfaction and emotional disengagement.

The negative relationship between narcissism and family relationship quality also highlighted the destructive impact of narcissistic characteristics on marital and family functioning. Healthy family relationships are generally built upon empathy, cooperation, emotional support, and mutual respect. Narcissistic individuals often struggle to maintain these qualities because of their excessive self-focus and diminished sensitivity toward others' emotional needs. Consequently, narcissistic tendencies may gradually weaken family cohesion and relational satisfaction.

The identification of two underlying factors, namely "Belittling the Spouse" and "Superiority over the Spouse," provides important insights into the structure of narcissism within marital contexts. These dimensions reflect how narcissistic individuals may simultaneously devalue their partners while emphasizing their own superiority and dominance. Such relational dynamics can contribute to chronic conflict, emotional distance, and reduced marital adjustment.

Overall, the findings of the present study suggest that narcissism in couple relationships represents a multidimensional interpersonal construct with important implications for marital functioning and psychological well-being. The developed questionnaire appears to be a useful instrument for identifying narcissistic patterns within intimate relationships and may contribute to more accurate assessment and intervention in family counseling and couple therapy settings.

فهرست منابع

References

- Ahmadimehr, Z., Yousefi, Z., & Golparvar, M. (2020). The Effectiveness of Boen's Intergenerational Method Training on Family Relations and Systematic Family Variables. *Journal of Clinical Psychology, 12*(3), 25-34. <https://doi.org/10.22075/jcp.2020.19564.1810>
- Alizadeh, F., & Azami, Y. (2022). Prediction of Marital Satisfaction of Couples based on Basic Psychological Needs and Narcissism. *Rooyesh, 11*(10), 171-180. <http://frooyesh.ir/article-1-4114-fa.html>
- Briganti, G., & Linkowski, P. (2020). Exploring Network Structure and Central Items of the Narcissistic Personality Inventory. *International Journal of Methods in Psychiatric Research, 29*(1), e1810.

- Dehghani Shashdehd, Z., & Yousefi, Z. (2019). Modeling the Structural Equations of Divorce Tendency Based on Systemic Variables (Triangulation, Relationship with Spouse), Psychological Variables (Agreement and Control Methods), and Social Variables (How to Spend Leisure Time) of Isfahan Mothers. *Family Studies*, 15(1), 155-170.
- Dimaggio, G. (2021). Treatment Principles for Pathological Narcissism and Narcissistic Personality Disorder. *Journal of Psychotherapy Integration*.
- Gewirtz-Meydan, A., Estlein, R., & Finzi-Dottan, R. (2023). The relationship between narcissistic traits and attitudes toward infidelity: A dyadic analysis. *J Fam Psychol*, 37(6), 932-941. <https://doi.org/10.1037/fam0001126>
- Ghafarolahi, E., Etemadi, O., Yousefi, Z., Abedi, M., & Torkan, H. (2020). The Effects of Emotion-Focused Couple Therapy on Marital Burnout and Forgiveness of Married Women's Online Marital Infidelity. *MEJDS*, 10, 189-189.
- Mahdavian, A., & Shahinvarnosfaderani, Z. (2023). Predicting Marital Adjustment Based on Spirituality and Narcissism Components in Couples Living in Tehran. *Research Journal on Religion and Health*, 9(1), 123-133. <https://journals.sbmu.ac.ir/jrrh/article/view/34204>
- Millon, T., Grossman, S., & Millon, C. (2015). *MCMI-IV: Millon Clinical Multiaxial Inventory Manual* (1st ed.). NCS Pearson, Inc.
- Moblian, A., Dayarian, M., & Yousefi, Z. (2021). The Role of Self-Acceptance in Relation Personality Factors and Glasser's Needs Regulation with Marital Satisfaction.
- Mohammad Sharoni, R., Shokri, O., Hosseinzadeh Taghvaei, M., & Borjali. (2019). Pattern of Structural Relationships in Marital Conflict in Relation to Attachment and Narcissism Styles and Excitement with Boredom in Couples Referring to Counseling Centers. *Journal of Disability Studies*, 10, 23-23.
- Mohammadi, M. R., Delavar, A., Hooshyari, Z., Shakiba, A., Salmanian, M., Ghandi, F., & Farnoody, N. (2021). Psychometric Properties of the Persian Version of Millon Clinical Multiaxial Inventory-IV (MCMI-IV). *Iranian Journal of Psychiatry*, 16(1), 43.
- Ogwuche, C. H., Tyav-Tersoo, K. I., Caleb, O. N. A. H., & Orafa, D. T. (2024). Marital Infidelity among Married Couples: Roles of Emotional Intelligence and Narcissistic Personality Traits in Makurdi, Benue State. *Journal of Innovation in Psychology, Education and Didactics*, 28(1), 27-36. <https://doi.org/10.29081/JIPED.2024.28.1.03>
- Perego, G., & Di Mattei, V. E. (2020). A New Framework for Narcissism in Health Psychology and Psycho-Oncology. *Frontiers in psychology*, 11, 1182.
- Reynolds, C., & Livingston, R. (2019). How to Develop an Empirically Based Psychological Test. In *Handbook of Psychological Assessment* (pp. 31-62). Academic Press.
- Rezapour, R., Zakeri, M., & Ebrahimi, L. (2018). Predicting Narcissism, Perceiving Social Interactions, and Marital Conflicts Based on the Use of Social Networks. *Family Studies*, 13(50), 197-214.
- Ronningstam, E. (2020). Introduction to the Special Issue on Narcissistic Personality Disorder. *Journal of personality disorders*, 34(Supplement), 1-5.
- Soleimani, M., Past, N., Molaei, M., Mohammadi, A., Dashtipour, M., Safa, Y., & Pinkas, A. (2016). Psychometric Properties of the Pathological Narcissism Scale. *Contemporary psychology*, 10(1), 95-110.
- Yu, Y., Wu, D., Wang, J. M., & Wang, Y. C. (2020). Dark Personality, Marital Quality, and Marital Instability of Chinese Couples: An Actor-Partner Interdependence Mediation Model. *Personality and individual differences*, 154, 109689.
- Zakeri, F., Saffarian Tusi, M. R., & Nejat, H. (2019). The Moderating Role of Self-Efficacy in the Effect of Emotional Distress and Interpersonal Problems on Marital Boredom in Maladapted Women. *Journal of Positive Psychology*, 5(4), 35-50.
- Zeigler-Hill, V., Martinez, J. L., Vrabel, J. K., Ezenwa, M. O., Oraetue, H., Nweze, T., & Kenny, B. (2020). The Darker Angels of Our Nature: Do Social Worldviews Mediate the Associations That Dark Personality Features Have with Ideological Attitudes? *Personality and individual differences*, 160, 109920.